

گزیده‌ای از مقاله‌ی « جنسیت پشت سنگرها: سیاست و امکان‌های شورش^۱ »

نویسنده: تمی کوویچ

مترجم: مائده میرزایی

مقدمه: از خاکستر

دست به شورش زدن تلاشی‌ست پرشور و ناگهانی برای ساختن و واساختن جامعه در آن واحد و برای بسیاری تبدیل به نقطه‌ی اوج روند اجتماعی‌شدن سیاسی شده است... (ترونگ^۲: ۵۷۴: ۲۰۱۷)

ارتباط میان انهدام و خلق دغدغه‌ی کلاسیک تفکر انقلابی‌ست. برای مثال میخائیل باکونین^۳ محتملاً با طرح چنین بحثی شناخته می‌شود: "اشتیاق برای انهدام در آن واحد اشتیاقی خلاقانه ست." (نقل قول شده از لیر^۴: ۲۰۰۹: ۱۱۱). از آنجایی که وقایع پرآشوب از بنیان شامل تخریب می‌شوند، بنابراین شورش‌ها تجسم گفته‌ی بالا هستند. استیون شوکتیز^۵ عنوان می‌کند که برآمدن آنتاگونیسم سیاسی عمومی مثل شورش‌ها موجب خلق موقعیت‌هایی می‌شود که "در آن فرم‌های دیگری از زندگی اجتماعی مجال بروز می‌یابند." (۲۰۰۹: ۲۲۳) اگرچه شورش‌ها اغلب از نظرگاهی سلبی و پوچ درک و تصویر می‌شوند، اما در عین حال می‌توانند بازنمایی‌کننده‌ی لحظاتی از تصدیق و امکان نیز باشند. باوجود زودگذر و ناپایدار بودن، شورش‌ها می‌توانند فرصت‌هایی عرضه و لحظاتی استثنایی خلق کنند که در آن قوانین معمول دیگر به اجرا در نمی‌آیند و پتانسیل‌های رهایی بخشی از راه می‌رسند. این گسترده‌شدن امکان‌ها به ویژه در ارتباط با ساخت و کارکرد جنسیت قابل توجه است. با تامل بر قیام‌های معاصر در جهان عرب ال، سعید، میری و پرت^۶ خاطر نشان می‌کنند: "هنجارها و هویت‌های جنسی و جنسیتی شده به طور کلی و به خصوص در دوره‌ی آشوب‌های اجتماعی و سیاسی قابل انعطاف هستند." (۲۰۱۵: ۸؛ یادداشت نویسنده) براساس استدلال آنها لحظه‌ی آشوب نه تنها به دگرگونی اجتماعی و سیاسی از جهت ایجاد تغییر در نهادها و مشارکت زنان در آنها دامن می‌زند بلکه باعث برانگیختن تغییراتی در "خودسازی زنان از جمله پرفورمنس‌های جسمی‌شان" می‌گردد (ال، سعید، میری و پرت ۲۰۱۵: ۱۲) به بیان ساده‌تر، دوره‌های کنش آشوبگرانه می‌تواند محرک تغییراتی در میان جبهه‌های مختلفی باشد - و دامنه‌ی تاثیراتش محدود به قلمرو نهادها و تشکیلات رسمی نیست. با گسترده شدن افق‌های زندگی روزمره و بازسازی چشم‌اندازهای شهری، نهادهای سیاسی، هنجارهای فرهنگی، روابط اجتماعی و خود مردم می‌توانند دگرگون شوند. با در نظر داشتن چنین امری،

^۱ متن پیش‌رو ترجمه‌ای است از مقاله‌ی زیر:

Kovich, Tammy. (2020). GENDER AT THE BARRICADES: THE POLITICS AND POSSIBILITIES OF THE RIOT. *Coils of the Serpent*, 7, 113-145.

<https://coilsoftheserpent.org/2020/12/gender-at-the-barricades/>

^۲ Truong

^۳ Mikhail Bakunin

^۴ Leier

^۵ Stephen Shukaitis

^۶ El, Said, Meari, and Pratt

بحث مرکزی این مقاله این است که نشان دهد پی‌آمد شورش‌ها می‌تواند ایجاد سرآغازی باشد برای به چالش کشیدن انتظارات جنسیتی از پیش موجود و تشویق به اقداماتی براندازگرانه در دو سطح فردی و جمعی.

طبق تعریف هکرت^۷، جنسیت "یک نظام طبقه‌بندی‌کننده از خودمان و یکدیگرست (که شامل بدن‌ها، امیال و رفتارها نیز می‌گردد) که در تمامی صور فرهنگ و جامعه نفوذ می‌کند و با دیگر طبقه‌بندی‌ها و سلسله‌مراتب‌ها (نژاد، طبقه، سکسوالیته و...) در هم تنیده است". (۲۰۱۲:۱) گستردگی مفهوم‌سازی جنسیت به حدی است که چگونگی تجربه‌شدن و طبقه‌بندی بدن‌ها و اختصاص معنی به آن را در بر گرفته است و اساسا دنیای ما را شکل داده است و به طبع آن ایده‌هایی کنترلی که متوجه رفتار، نقش‌ها و ساخت اجتماعی‌ست را تولید و بازتولید می‌کند و به زندگی فردی و جمعی شکل می‌دهد. کالکتیو پینکو^۸ اینگونه شرح می‌دهد: "جنسیت از طریق یک زیربنای مادی تحمیل، تثبیت و بازتولید شده‌است که در سرتاسر امر اجتماعی توزیع شده، از مکان‌های شخصی چون خانواده یا صمیمیت جنسی گرفته تا مکان‌های عمومی همچون خیابان و در لحظاتی همچون دسترسی به بازار کار و در ارتباط با خشونت جنسی". (۲۰۱۹) به طور خلاصه جنسیت به شکل یک ساختار اجتماعی با بنیان‌های مادی وجود دارد. جنسیت در سطوح گوناگونی عمل می‌کند و می‌توان آن را از لحاظ امر ساختاری/مادی؛ جمعی/پیوندی؛ ایدئولوژیک/استدلالی و فرد/خود مفهوم‌سازی کرد. در این مقاله من به روش‌های مختلفی که به واسطه‌ی آن شورش‌ها با عملکرد جنسیت در هر کدام از این جبهه‌ها درگیر می‌شود و در مواردی حتی آن‌ها را تغییر می‌دهد، می‌پردازم.

با نگاهی به گزیده نمونه‌هایی از شورش‌های ابتدای قرن بیستم تا به امروز، پتانسیل دگرگون‌کننده‌ی شورش در ارتباط با چهار پدیده‌ی وابسته به یکدیگر را بررسی می‌کنم: یک) تضعیف تفکیک فضای عمومی و خصوصی و ساختن روابطی نو؛ دو) بازتولید اجتماعی و ظهور اقتصادهای بدیل مراقبتی؛ سه) در هم شکستن کلیشه‌ها و بازنگری در انتظارات، هنجارها و نقش‌ها و در نهایت چهار) تحولات شخصی و تشکیل سوبژکتیوهای نوین سیاسی.

آنچه در ادامه می‌آید ترجمه بخش اول و دوم است [مترجم]:

شکاف عرصه عمومی در برابر عرصه خصوصی: بیرون از خانه و به سوی خیابان

کاربست هر قدرتی برآمده از توانایی ما در سازمان‌دهی تجربه جمعی‌ست. (کالکتیو پینکو ۲۰۱۹)

بنابر تصویری بورژوازی، تقسیم جنسیتی جامعه به دو عرصه‌ی جداگانه‌ی خصوصی و عمومی، به طرز ننگینی با انقلاب فرانسه ۱۷۸۹ تحکیم پیدا کرده است (ر.ک گودینو^۹ ۱۹۹۸:۲۸). علیرغم مشارکت پویا و

⁷ Heckert

⁸ The Pinko Collective

⁹ Godineau

فعالانه در آن وقایع، زنان به اعلامیه‌ی حقوق بشر و شهروندی؛ که در پی آن حاصل شد، راه داده نشدند. با بی بهره شدن از حقوق شهروندی فعال و طرد شدن از حوزه‌ی سیاست، زنان محصور در فضای خانگی شدند تا بر نقش‌های همسری و مادری متمرکز شوند (ر.ک گودینو ۲۸:۱۹۹۸). این تنزل زنان به فضای خصوصی، نه مختص فرانسه بود و نه صرفاً روایتی از گذشته. یکی از مکانیسم‌های اصلی تولید و بازتولید جنسیت، تقسیم افراد به دسته‌بندی‌های مختلف است. در جوامع سرمایه‌دارانه، یکی از ستون‌های اصلی که جنسیت به آن متکی است تقسیم عرصه‌ی اجتماعی به حوزه‌های مجزاست. از جمله جدایی میان فضای عمومی و خصوصی. بنا به نظر اندنوتز^{۱۰} جنسیت در بهترین شکل به عنوان " تثبیت‌کننده‌ی گروهی از افراد در درون حوزه‌ی مشخصی از فعالیت‌های اجتماعی" (۲۰۱۳:۷۸) فهمیده می‌شود و در ادامه، این پروسه‌ی تثبیت‌کننده، دست به تولید و بازتولید دو جنسیت جداگانه می‌زند. با تکیه به حوزه‌ی مشخص، " جنسیت خودش را به عنوان مجموعه‌ای از خصوصیت‌های ایده‌آل مبین 'مردانه' یا 'زنانه'، عینیت می‌بخشد." (اندنوتز ۲۰۱۳:۷۸). این ویژگی‌ها ممکن است در طول زمان دستخوش تغییر شوند یا در جایی از جهان متفاوت از جای دیگر باشند، مع الوصف همواره به صورت دوگانه‌ای نسبی، وجود دارند. تمایز میان حوزه‌ها را می‌توان با اصطلاحات متفاوتی از جمله عمومی/ خصوصی، تولید/ بازتولید، مزدی/ غیرمزدی یا اجتماعی/ غیر اجتماعی طرح‌بندی کرد. جدا از ترمینولوژی استفاده شده، نکته‌ی کلیدی در استقرار بدن‌های جنسی در حوزه‌های مشخص است. در چنین چارچوبی، طبقه‌بندی زن با محدود شدن به فضای خصوصی ترسیم می‌شود. زنان در نسبت با فعالیتی که بیشترشان (اگرچه نه همگی) قادر به اجرای آن هستند- تولید مثل و به تبع آن بازتولید نیروی کار- تعریف می‌گردند. در حالی که تولید برای مبادله در فضای عمومی انجام می‌شود، بازتولید تولیدکنندگان به فضای خصوصی واگذار شده که عموماً برعهده‌ی زنان است. بدیهی است که این به معنای زیست زنان تنها در فضای خصوصی نیست بلکه هدف پررنگ کردن جایگاه غالب آنهاست^{۱۱}.

تحت چنین شرایطی، ساخت جنسیت در لحظاتی چون شورش دچار چالش می‌شود، یعنی در جایی که زنان از این شکاف عبور می‌کنند و روانه‌ی فضای عمومی می‌شوند، با درهم‌شکستن یا دستکم

¹⁰ Endnotes

مطمئناً زنان در کار مزدی نیز فعال‌اند اما این درگیری به شدت جنسیت‌زده است. کارمزدی زنان "در فرم‌های مشخصی سازمان‌دهی شده است-بخش‌های مشخص، سلسه‌مراتب اداری (سقف شیشه‌ای) و پایه‌های دستمزد" (ریف رف ۲۰۱۱:۱۶۰). زنان معمولاً در فعالیت‌هایی با قابلیت تعدیل، پاره‌وقت و متمرکز در صنایعی به خصوص مشغول به کار هستند. به بیان گانزالز "زنان اغلب خدمات خانه‌داری یا داخلی در خانه‌ی دیگران یا در دفاتر و هواپیماها را انجام می‌دهند. در کارخانه‌ها، آنها جداگانه به کارهای فشرده‌ای که نیازمند کاردستی و ظرافت است گماشته می‌شوند، به خصوص در صنایعی مثل نساجی، پوشاک و مونتاژ وسایل برقی." (۲۰۱۱:۲۲۸). ماهیت خاص شرکت زنان در کارمزدی به خودی خود دلالتی بر "ورود و نفوذ در عرصه‌ی عمومی ندارد چرا که موجودیت آن عرصه را به چالش نمی‌کشد" (ریف رف ۲۰۱۱:۱۶۰). کارمزدی زنان به نوعی رام شده است و "به آن بخشی از عرصه‌ی عمومی سپرده شده است که به واسطه‌ی آن تبدیل به پیوستی برای عرصه‌ی خصوصی شود" (ریف رف ۲۰۱۱:۱۶۰). تحت چنین شرایطی، تنها در لحظاتی که "دیوارهای پیرامونی این پیوست شکسته شده باشد (برای مثال در اعتصاب) کارگران زن روانه‌ی عرصه‌ی عمومی می‌شوند" (ریف رف ۲۰۱۱:۱۶۱).

ضعیف شدن این شکاف عمومی/خصوصی ناگهان امکان‌های متعددی خلق می‌شوند. ورود زنان به فضای عمومی به طور مشخص دو پیامد جدا اما همچنان مرتبط دارد. اول از همه ما با گسترش دسترسی زنان به نقش‌ها و کنش‌هایی متعدد روبه‌رو هستیم. در شورش فضاهای جدیدی از راه می‌رسند که به زنان فرصت دستیابی به موقعیت‌ها و مکان‌هایی را می‌دهند که در نظم معمول برایشان میسر نبود. بنا بر بحث روباتم^{۱۲} ” تنها در شرایط استثنایی شورش سیاسی است که اجرای کنش غیرمعمول برای زنان فراهم می‌شود“ (۲۰۱۴:۲۰۴). با بررسی قیام واکا^{۱۳} در سال ۲۰۰۶، باروچا پلر^{۱۴} نشان می‌دهد که چگونه این واقعه وضعیتی را فراهم کرد که در آن زنان قادر به ترک فضای خانگی (اگرچه موقت) شدند، یعنی فضایی که در آن زیر منت همسران و خانواده‌هایشان بودند. در طول این قیام، مشاهده‌ی زنان در حال ایفای نقش‌های پیشرو، مبارزه با پلیس، ساختن کوکتل مولوتف و برپا کردن سنگر امری معمول بود (ر.ک پلر ۲۰۱۲:۱۲۹). زنان رادیوی ملی و شبکه‌های تلویزیونی را در دست گرفتند و به پخش برنامه، برگزاری کارگاه‌ها و تشکیلات در میان خودشان پرداختند. در پاسبانی‌ها و شب‌زنده‌داری‌ها، زنان ساعت‌هایی طولانی را در کنار هم و به گفتگو سپری می‌کردند. فضای خودمانی که در پی این قیام ایجاد شده بود با خود میزانی از استقلال را همراه داشت که بحث و گفتگویی را ممکن می‌ساخت که بدون آن هرگز رخ نمی‌داد. برای پلار، گفتگویی که میان زنان شکل گرفت ”شاید مهمترین نتیجه‌ی این تصاحب قدرت بود“ (۲۰۱۲:۱۳۳) او تشریح می‌کند که ”آنچه تا پیش از این ’خصوصی‘ و ’شخصی‘ بود خود تبدیل به محلی برای مقاومت شد. در میان چنین گفتگوهایی بود که زنان برای اولین بار فضایی را تجربه کردند [...] که در آن آزادانه به سازماندهی و روایت تجربیاتشان می‌پرداختند“ (پلار ۲۰۱۲:۱۳۳). از آنجایی که زنان بیشتر و بیشتر فرصت صحبت بی‌پرده با یکدیگر را پیدا کردند، شروع به درک ”گستره‌ی حقیقی استثماری که تجربه می‌کنند و ماهیت مبارزه‌ی سیاسی‌ای که در جریان بود“ (پلار ۲۰۱۲:۱۳۳) کردند. این قیام لحظات مواجهه‌ای را فراهم کرده بود که همراهان واقعه می‌توانستند با یکدیگر ملاقات کرده و در این میان شروع به درک مبارزه‌ی مشترک‌شان کنند.

علاوه بر مشغولیت زنان در شکل‌های جدیدی از کنش، دومین پیامد ارتباط با فضای عمومی معطوف به گسترش روابط و جستجوی جمع‌های جدید است. کمیته‌ی نامرئی^{۱۵} که به طرح و بحث کنش سیاسی در جهان امروزی می‌پردازد، شورش را به عنوان امری با قابلیت خلق فرم‌های نوینی از زندگی تئوریزه می‌کند. آنها معتقدند:

¹² Rowbotham

¹³ ایالت واکاها در مکزیک درگیر مبارزه‌ای شد که بیش از هفت ماه به طول انجامید و در پی آن واکاها، شهر پایتخت، توسط مجمع مردمی واکاها اشغال گردید. این مبارزات در می سال ۲۰۰۶ آغاز شد، زمانی که پلیس در واکنش که به اعتراضات غیر خشونت آمیز اتحادیه‌ی صنفی معلمان شروع به تیراندازی به آنان کرد-م.

¹⁴ Barucha Peller

¹⁵ The Invisible Committee

شورش سازماندهی شده قادر به ایجاد چیزیست که این جامعه نمی‌تواند خلق کند: پیوندهایی زنده و بازگشت ناپذیر. کسانی که تنها انگشت روی تصویر خشونت می‌گذارند، قادر به درک همه آنچه که در جریان است (درهم شکستن، دنبال کردن و مواجهه با پلیس) نیستند. بازگشت هیچ‌کس پس از تجربه‌ی اولین شورش‌اش، بی‌تغییر نخواهد بود... در شورش نوعی از تشکیل و تصریح دوستی‌ها، ساختی مرکزی از جهان، امکان‌هایی روشن برای عمل و منابعی در دسترسی نزدیک وجود دارد (کمیت‌ی نامرئی ۱۴: ۲۰۱۷).

در واکاها با رفتن زنان به خیابان‌ها، آنها در واقع یکدیگر را پیدا کردند و دریافتند "که تجربه‌های آزاری که در خانه به واسطه‌ی گرفتاری اقتصادی و سرکوب ساختاری داشتند، در کلام زنان دیگر هم منعکس شده‌است و به درک مشترکی از جنسیت و هویت از عرصه‌ی عمومی تا خصوصی رسیدند" (پلار ۱۳۴: ۲۰۱۲). زنان با یکدیگر از تجربه‌ی خشونت و زیردست بودن سخن می‌گفتند و به وضوح می‌دیدند که همه روایات مشترکی دارند. او یکی از شرکت‌کنندگان در این قیام می‌گوید: "فهمیدیم که ما همه داستان مشترکی داشتیم، داستان مشترکی از آزار توسط شوهر، برادر، تجاوز توسط کارفرما [...] وجه مشترک همه‌ی ما، درخواست سرنگونی سیستم به منظور تغییر جامعه و تبدیل آن به جایی است که در آن زنان صاحب قدرت و اختیار هستند" (پلار ۱۳۳: ۲۰۱۲). به واسطه‌ی فرآیند شورش و ایجاد روابط جدید، زنان توانستند به درک روشنی از موقعیت اجتماعی خود برسند تا در نهایت دریابند که مبارزه بر ضد سرمایه‌داری و نظام حاکم، درهم تنیده با "عصیان علیه شوهران و خانواده‌هایشان در فضای خانگی‌ست" (پلار ۱۲۸: ۲۰۱۲). به عبارت دیگر، این قیام به زنان درگیر در آن امکان برپایی (یا در حداقلی‌ترین حالت ممکن تجسم خود به عنوان) یک نیروی جمعی و کنش متعاقب آن را فراهم ساخت.

در همین اواخر، زنان در اعتراض به خشونت جنسیتی در مکزیک، به صورت چشمگیری به حوزه‌ی عمومی ورود پیدا کردند. زنان خیابان‌ها را از آن خود کردند، با پلیس برخورد کردند و درگیر وندالیسم [و] تخریب اموال [عمومی] شدند، به گفته‌ی یکی از شرکت‌کنندگان "هرچه می‌توانستیم سوزاندیم" (ناشناس ۲۰۱۹). با در نظر گرفتن چنین کنش‌هایی و به منظور تشریح انگیزه‌ی پشت آن، همان شرکت‌کننده در ادامه می‌گوید:

من در این بدن به دنیا آمده‌ام، بدنی که در سرتاسر تاریخ و تمامی سرزمین‌ها به عنوان چیزی که آنها آن را زن می‌نامند، بر من نشانه‌گذاری شده. آنها من را آفریده‌اند تا مطیع، لگدمال شده، تجاوزشده، مادر آینده، پرستار آینده، پیشخدمت دیگران، منتظر دیگران، تحمل‌کننده‌ی همه چیز، ساکت، خدمتکار پیشکار رئیس و خود رئیس باشم و به همین خاطر است که این همه‌ی ما بود که آنجا حضور داشت و به همین خاطر ما هیچکس را پشت سر جا نمی‌گذاریم و کنش همگی را جشن می‌گیریم. (ناشناس ۲۰۱۹).

این واقعه موجب کنارهم آمدن کسانی شد که تجربه‌ی زیست در چنان بدن نشانه‌گذاری شده‌ای را داشتند، و برای زنان فضایی را فراهم کرد که در کنار یکدیگر مبارزه کنند. در اعلامیه‌ی اصلی که به وقایع آگوست ۲۰۱۹ ارجاع می‌داد، نویسنده به طور مشخص به چنین دینامیکی اشاره می‌کند. او از بازشناخته‌شدن خودش "در نگاه دیگری" می‌گوید و در ادامه‌ی آن تشریح می‌کند که "وقایع دیروز به ما اجازه داد تا یکدیگر را با نگاه‌هایی آشوب‌گرانه و همدستانه، در بدن‌هایی درخشان، برهنه و زنده بازشناسیم و دریابیم که تنها نیستیم [...] و حاضر نیستیم؛ چه به عنوان زن و چه به عنوان انسان، به پنهان و جاودانه شدن یک نظام اجتماعی مرگ آفرین ادامه دهیم". (نا شناس ۲۰۱۹). به همین منوال شرکت‌کننده‌ی ناشناس دیگری در ناآرامی‌های مختلف پاریس از چنین لحظاتی به عنوان گشایشی برای بازیابی دیگر زنان و غلبه بر محدودیت‌های اعمال‌شده بر آنها می‌گوید. او توضیح می‌دهد: "با وجود اینکه قصد نابودی جنسیت را داریم، اما از طرفی خود آن باعث دور هم جمع شدن کسانی می‌شود که احساسات مشترکی دارند، کسانی که معنای زن نامیده‌شدن بر بدن‌شان را حس می‌کنند و در عین حال می‌خواهند از چنین حصارهای رها شوند". (ناشناس ۲۰۱۷:۱) برای نویسنده، چنین ناآرامی‌هایی فرصتی در اختیار زنان قرار می‌دهد تا "بر جایگاه‌شان در جهان حمله‌ور شوند تا از آن جدا و رها شوند" (ناشناس ۲۰۱۷:۱). با شرکت در فضای عمومی آشوب، زنان می‌توانند جایگاه تبعیدی فضای خصوصی را به چالش بکشند و تفکیک جامعه به قلمروهای مجزا؛ به منظور اجرای فعالیت‌های مشخص، را مختل سازند. این پروسه در سطح اجتماعی وسیع‌تری به عنوان یک توسعه‌ی بیرونی رخ می‌دهد که موجب آرایش نوینی از روابط اجتماعی و ظهور همبستگی‌های جدید می‌شود و در عین حال در پروسه‌ای درونی، زنان جایگاه پیشین خود را به طور کلی به چالش می‌کشند.

وقایع آشوب‌گرانه می‌توانند مجال حضور برای فرم‌های نوینی از تعامل اجتماعی باشند و به شکوفایی روابط جدیدی کمک کنند اما در عین حال چنین لحظاتی زودگذرند، بنابراین سوال اینجاست که چگونه می‌توان به چنین رخدادهایی تداوم بخشید؟ به گفته‌ی جکی وانگ^{۱۶}: "شورشیان می‌دانند که همدستانشان می‌توانند به راحتی بدل به خبرچین شوند، اما تحت چه شرایطی می‌توانیم دوست باقی بمانیم؟ همبستگی‌ها به صورت خودکار در اکنون تشکیل نمی‌شوند، بلکه در طول زمان و با ایجاد ریتم‌های جدیدی از بودن؛ که ریشه در بازتولید زندگی روزانه دارند، ساخته می‌شوند. به چه فرم‌هایی از زندگی در ساخت همبستگی در طول زمان می‌توان اتکا کرد؟" (۲۰۱۸). یک شورش می‌تواند نیرویی رهایی‌بخش را آزاد کند اما می‌بایست پس از واقعه و فراتر از آن به مراقبت و پرورشش اهتمام ورزید.

بازتولید اجتماعی: از غارت به سوی کمون

گمان می‌کنم که به طور کلی شورش‌ها و کنش نظامی خشونت‌آمیز به غلط به مردانه و برادرانه بودن شناخته می‌شوند و بسیاری از رفقای مرد ما هم می‌خواهند چنین تصویری را اشاعه دهند و قطعاً هم چنین اتفاقی می‌افتد اما در حقیقت معتقدم که شورش‌ها به شدت و به طریقی باور نکردنی زنانه هستند... بحث بر سر لذت و بازتولید اجتماعی است. به یکدیگر عشق می‌ورزید، آنهم با خلاص شدن از چیزهایی که آن را غیرممکن می‌سازند، یعنی پلیس و مالکیت خصوصی. شما به چیزی حمله می‌کنید که توجه و مراقبت کردن را غیرممکن می‌سازد، به آن حمله می‌کنید تا آن چیزها را به رایگان داشته باشید و در خیابان‌ها از لذت و خوشی سهیم شوید. بدیهی است که شورش‌ها به خودی خود انقلاب نیستند اما وعده‌ای در خود دارند به سوی جهانی که در آن خیابان فضایی است آزاد برای در کنار هم و خوشحال بودن و مراقبت کردن از یکدیگر. (اوسترویل^{۱۷} ۲۰۲۰)

یکی از راه‌های کارکرد جنسیت؛ که خود ارتباط زیادی با تفکیک جامعه به عرصه‌های مختلف فعالیت دارد، تعیین این است که چه کسی مسئول بازتولید اجتماعی در جامعه ماست (و چه کسی نیست). این نه تنها شامل بازتولید انسان‌ها بلکه تامین مراقبت مادی و عاطفی نیز می‌شود. سیلویا فدریچی^{۱۸} بازتولید اجتماعی را اینگونه توصیف می‌کند: "تمامی فعالیت‌هایی که زندگی روزانه‌مان را تولید و در عین حال، در جامعه‌ای سرمایه‌دارانه، نیروی کار را نیز بازتولید می‌کند [...] از یک طرف ما را به مثابه‌ی مردم و از طرفی دیگر به مثابه‌ی کارگرانی با قابلیت استثمار بازتولید می‌کند." (۲۰۱۸) در چنین شرایطی، فدریچی بر این موضوع پافشاری می‌کند که مسئله‌ی کلیدی برای فمینیست‌ها "تبدیل کار بازتولیدی به بازتولید مبارزه‌ی ماست." (۲۰۱۸)

با تبعید حضور زنان به فضای خصوصی، آنان با اختلاف زیادی عهده‌دار تولد، پرورش و مراقبت از فرزند تا بزرگسالی و به علاوه پرستاری از هرکس دیگری در درون خانه‌هایشان هستند. در عمل این به معنای مدیریت خانه، آشپزی کردن، نظافت، تربیت و مراقبت از اعضای بیمار و سالمند خانواده در کنار چیزهایی دیگر است. در برابر چنین وضعیتی، لحظه‌ی قیام سیاسی می‌تواند راهکار متفاوتی به مسئله‌ی بازتولید اجتماعی ارائه دهد، راهکاری که از خانواده فاصله گرفته و به سوی امر اشتراکی حرکت خواهد کرد. شورش‌ها به هیچ وجه نمی‌توانند نماینده‌ی یک راه‌حل پایدار برای برطرف کردن چنین سازوکاری باشند. با این حال در بعضی از مواقع، آنها امکان جایگزینی در مواجهه با مایحتاج مادی و سازماندهی سرپرستی و مراقبت ارائه می‌دهند. دیلان تیلور^{۱۹} اینگونه شرح می‌دهد: "پتانسیل شورش در پس آنچه در لحظه رخ می‌دهد نیست، بلکه در آن چیزی است که ممکن است بشود: تکانه‌ای که راه به سوی فرم‌های غیرسرمایه‌دارانه از بازتولید اجتماعی دارند. شورش سیاستی از شدن است." (۲۰۱۹:۸۴) وقایع آشوبگرانه

¹⁷ Osterweil

¹⁸ Silvia Federici

¹⁹ Dylan Taylor

وضعیتی ایجاد می‌کنند که در آن فرصت‌هایی استثنایی امکان بروز پیدا می‌کنند تا در واقع با مسئله‌ی بازتولید اجتماعی مواجه شوند. چنین فرصت‌هایی شامل مالکیت کالاهای مادی از طریق غارت و اشتراکی کردن بازتولید در قرارگاه‌ها یا دیگر فضاها اشغال شده است.

اول و شاید از همه واضح‌تر این مسئله است که شورش‌ها فرصت‌هایی برای دستیابی به کالاهای مادی را فراهم می‌کنند. غارت مشخصه‌ای استاندارد از یک شورش است، فرصت‌هایی را خلق می‌کند که تا پیش از آن برای تملک کالاها وجود نمی‌داشت. کلور^{۲۰} متذکر می‌شود: "اقدامات [آشوب‌گرانه] در درجه‌ی اول کاربردی هستند: تحت محافظت اشتراکی، به منظور برآورده کردن نیازها و در تلاش برای درهم شکستن زیرساخت‌ها و آپاراتوس‌های بینواسازکننده رخ می‌دهند." (۲۰۱۹) وعده‌ی سرمایه‌داری در دسترسی به کالاهای نامحدود برای بیشتر مردم به حقیقت نمی‌پیوندد. کالاهای لوکس پشت شیشه‌ی ویتترین‌ها محصور می‌مانند و بسیاری حتی از عهده‌ی نیازهای اولیه‌ی مادی خود هم بر نمی‌آیند. غارتی که به واسطه‌ی شورش مهیا می‌شود یا آنچه اندنوتز از آن به عنوان "خرید پرولتاریایی" یاد می‌کند، می‌تواند به شکل یک ابزار برابرسازکننده‌ی فوق‌العاده عمل کند که از طریق آن مردم می‌توانند از چیزهایی که از آن منع شده‌اند برخوردار شوند. (۲۰۱۳:۱۴۸) در بحث شورش‌های واتس^{۲۱} ۱۹۶۵، گی دوبور^{۲۲} در *سقوط و افول اقتصاد نمایشی-کالایی*^{۲۳} عنوان می‌کند که کنش غارت کردن می‌تواند به مثابه‌ی چالشی برای خود منطق سرمایه‌داری باشد. او می‌نویسد:

آنها به واسطه‌ی دزدیدن و بخشیدن به کاربستی دست پیدا می‌کنند که فوراً منطق سرکوب‌کننده کالا را رد و باطل می‌سازد و نشان می‌دهد که مناسباتش و حتی تولیدش غیرلازم و قراردادی‌ست [...] وقتی که کالا دیگر خریداری نشود، ماهیت‌اش مورد سوال قرار می‌گیرد و می‌تواند به هر فرم دیگری تغییر پیدا کند. (۱۹۶۵)

حتی در زمینه‌ی شورشی که هیچ خواستگاه سیاسی روشنی هم ندارد، مثل شلوغی‌هایی که به واسطه مسابقات ورزشی ایجاد می‌شوند (برای مثال شورش جام استنلی [هاکی روی یخ] در ونکوور^{۲۴}، غارت امری رایج است که تقدس فرم کالا و به تبع آن همان منطقی که اقتصادمان را تعریف و بازتولید می‌کند را به چالش می‌کشد.

فراتر از آنچه در ارتباط میان غارت و فرم کالایی در نظر گرفته می‌شود، مهم است که نسبت آن با نژاد را هم دریابیم. ثروت ملکی و مادی متکی بر ساخت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نژاد است و از همان طریق نیز بازتولید می‌شود، بعلاوه برای استعمار قدیم و جدید و سازوکار سراسری برتری نژاد سفید

²⁰ Clover

²¹ Watts Riots

²² Guy Debord

²³ The Decline and Fall of the Spectacle-Commodity Economy

²⁴ Vancouver Stanley Cup Riots

ضروری است. ریون راکیا^{۲۵} در این باره می‌نویسد: "از زمان تجارت برده آتلانتیک، ثروت سفید به پشتوانه‌ی کار سیاهان، استثمار منابع و بدن آفریقایی توسعه یافته است" (۲۰۱۳) به جای چشم دوختن به نهادهای رسمی برای جبران غرامت، سیاهانی که دست به غارت می‌زنند آن را پس می‌گیرند (عملاً در اندازه‌ی کم) و بدینگونه غارت موجبات بازتوزیع مستقیم ثروت را ممکن می‌سازد. ویکی استروایل با واژگانی ساده اینگونه توضیح می‌دهد: "وقتی رنگین پوستان مغازه‌ای را غارت می‌کنند، سهمی جزئی از آنچه که به شکلی تاریخی از آنها دزدیده شده است را پس می‌گیرند، از تاریخ و زبان آبا و اجدادی‌شان گرفته تا تامین ابتدایی‌ترین امنیت برای فرزندانشان در خیابان‌ها." (۲۰۱۴) این حتی برای زنان سیاه مصداق بیشتری دارد، زنانی که "اسارت، کار غیرمزدی، کار تولیدی بادستمزد پایین و کاربازتولیدی‌شان" برآمده از ماهیت درونی سرمایه‌داری سفیدمحور است "و به شکل مضاعف و ویژه‌ای به واسطه‌ی سیاه و زن بودن استثمار می‌شوند." (سامودزی و اندرسون^{۲۶} ۲۰۱۸:۷۹)

از زمان گذار سرمایه‌داری به این سو، شورش‌ها و به خصوص شورش‌های غذایی به تکرار در سرتاسر اروپا و بعضاً در آمریکای شمالی رخ می‌دادند. باید خاطرنشان کرد که چنین وقایعی اغلب توسط زنان آغاز و شامل زنان بسیاری می‌شدند. (تامسون^{۲۷} ۱۹۷۱:۱۱۵) زنان در کنار مردان در شورش علیه حصارکشی شرکت کردند و پیشگام در تخریب حصارها، بازکردن دروازه‌ها و راه انداختن آتش در کنار فعالیت‌هایی دیگر بودند. (نیسون^{۲۸} ۱۹۸۴:۱۲۹) پس از این دوره، شورش‌های غذایی به تدریج به هنجار جدید تبدیل شد و حضور زنان چنان چشمگیر بود که بسیاری حتی آنها را "شورش‌های زنان" می‌نامیدند. (فدریچی^{۲۹} ۲۰۰۴:۸۰) باوجود اینکه بعضی از تاریخ‌نگاران حقیقت این موضوع را به خاطر کمبود منابع معتبر زیر سوال می‌برند، اما هیچ‌کدام تردیدی در ادعای حضور زنان در چنین وقایعی را نداشتند. (مالکوم و توتتر^{۲۹} ۱۹۸۲:۳۲). مناقشه‌ای اگر باشد بیشتر بر سر میزان مختلط بودن شلوغی‌هاست (به عبارتی آیا بطور غالب شامل زنان می‌شد یا شامل ترکیبی از زن و مرد) و همچنین این مسئله که آیا زنان نقش‌های رهبری و کلیدی در این وقایع داشته‌اند یا نه (رک بوستد^{۳۰} ۱۹۸۸). در هر صورت حقیقت هرچه که باشد باید قبول کرد که زنان در درجاتی مختلف در چنین وقایعی شرکت فعالی داشته‌اند. به واسطه‌ی داشتن وظایفی چون سرپرستی از خانواده و به خاطر داشتن پول کمتر و دسترسی محدودتر به اشتغال نسبت به مردان، زنان " [علیرغم] جایگاه پایین‌تر، ...] با افزایش قیمت خورد و خوراک یا با پخش شدن این شایعه که اذوقه غلات از شهر منتقل شده، به سرعت روانه‌ی خیابان می‌شدند." (فدریچی^{۲۹} ۲۰۰۴:۸۰) در اوج جنگ داخلی آمریکا، به‌خصوص در ایالت‌های کنفدراسیون، شورش‌هایی به سرکردگی زنان امری متداول و شایع بود. (ویلیامز و

²⁵ Raven Rokia

²⁶ Samudzi and Anderson

²⁷ Thompson

²⁸ Neeson

²⁹ Malcolm and Thwaites

³⁰ Bohstedt

ویلیامز^{۳۱} (۲۰۰۲:۵۱) با طولانی شدن جنگ، کشاورزان جنوبی همچنان به ارجحیت دادن به تولید پنبه به جای کشت غلات و سبزیجات ادامه دادند که موجب کمبود مواد غذایی و بالارفتن قیمت‌ها شد. زنان که حالا با فقر شدید روبه‌رو بودند، در سرتاسر کنفدراسیون دست به شورش در خیابان زدند. در خلال به اصطلاح "یورش زنان" گروهی از زنان مغازه‌ها، انبارهای دولتی و حتی کانتینرهای قطارها را خالی می‌کردند و به واگن‌های حاوی خوراکی حمله می‌کردند. (ویلیامز و ویلیامز:۶۹:۲۰۰۲). زنان که مجهز به هفت تیر و چاقو بودند، اقلامی چون آرد، شکر، برنج و ذرت را غارت می‌کردند و در مواردی انبارها را آتش می‌زدند. (ویلیامز و ویلیامز:۷۸:۲۰۰۲) در سراسر جنگ جهانی اول و درست تا پیش از انقلاب فوریه شورش‌های معیشتی رخدادهایی معمول در روسیه بود.

این وقایع که قسمت مهمی از بحران گسترده‌ای بود که در نهایت موجب سرنگونی تزار شد به کرات توسط زنان جرقه می‌خورد. با فراخوانده شدن پدران و شوهران به جنگ، رابطه‌ی زنان با حوزه‌ی عمومی و نظام حاکم دیگر به شیوه‌ی قبل کار نمی‌کرد و به همین خاطر "زنان چاره‌ای نداشتند جز اینکه خود پا به میدان بگذارند". (انگل^{۳۲}:۷۰۷:۱۹۹۷)

با بررسی بیشتر قرن بیستم می‌توان دید که در میانه‌ی رکود بزرگ^{۳۳} شورش‌های غذایی در بسیاری از مکان‌ها شایع بودند. در این راستا ال‌ساندینه^{۳۴} می‌نویسد: "اگرچه بیشتر شورش‌های غذایی گزارش نمی‌شدند آنهم از ترس از اینکه چنین اخباری، پتانسیل تحریک بیشتر برای اقدام به اجرای عدالت غذایی خودسرانه را داشتند اما مصادره غذایی امری سازمان‌یافته در سرتاسر کشور بود." (۲۰۰۹:۲۶) در طول دوره‌ی جنبش حقوق مدنی^{۳۵} در آمریکا، رخ دادن شورش‌هایی که در شهرهای بزرگ (و دیگر جاها) امری معمول بود و مکرراً شامل اقدامات مبتنی بر مصادره و غارت بودند. در پی شورش‌های ۱۹۹۲ در لس‌آنجلس که اکنون دیگر از آن به عنوان اتفاقی ننگین یاد می‌شود، مقاله‌ای خبری در واشنگتن‌پست، داستان چهارزن را روایت می‌کند که از فرصت پیش‌آمده برای غارت استفاده می‌کنند تا مایحتاج خانواده‌شان را تهیه کنند. شرح مقاله چنین است:

ماموریت‌شان پیدا کردن مایحتاج برای خانواده‌هایشان بود. مادران تبدیل به غارت‌گر شدند. ونسا کولمن در کیف خریدش پوشک‌های دزدیده‌شده، سیب‌زمینی و کنسرو داشت. سیلوپا وایت ماشین‌اش را پر از محصولات آرایشی، هات‌داگ و چیزهایی دیگر کرده بود. جنت با چیپس‌های سیب‌زمینی و هله‌هوله به خانه و پیش بچه‌های وحشت‌زده‌اش برمی‌گشت. و ربع قرن پس از اینکه

³¹ Williams and Williams

³² Engel

³³ Great Depression

³⁴ Al Sandine

³⁵ Civil Rights Movement

مادربرگاش در واتز^{۳۶} دست به غارت زده بود، پاتریشا آن دست دختر ۱۴ ساله‌اش را گرفت و به سراغ دزدیدن شیر و بقیه مایحتاج رفتند. (دوک و اسکوبار^{۳۷}، ۱۹۹۲)

با اشاره به این وقایع، یکی از مشاهده‌گران احساساتش را چنین توصیف می‌کند: «زن سیاهی مثل من رو خیلی سربلند می‌کرد، اینا بچه‌های ما بودند و درست تربیتشون کرده بودیم [...] فکر می‌کنم که ۵۰۰ سال کار مجانی باید به هر روش ممکنی پرداخت بشه و اونا داشتن پمپرز و خوراکی برمی‌داشتن، کیه که بتونه اونا رو برای غارتی که به خاطر بچه‌هاشون می‌کردن سرزنش کنه.» (فیسک و هنکاک^{۳۸}، ۲۰۱۶:۲۰۰) غارت امری هم سیاسی و هم کاربردی بود تا جایی که به برآورده شدن نیازهای واقعی و مادی ضروری کمک می‌کرد. در نمونه‌های معاصرتر، مثل شورش‌های ۲۰۱۱ لندن که به خاطر کشته‌شدن مارک داگن^{۳۹} توسط پلیس جرقه خورد و به خاطر میزان غارت زیادی که در آن رخ داد معروف شد، بسیاری از ناظران از حضور چشمگیر زنان در درون شورش خبر می‌دادند. باید خاطرنشان کرد که در این مورد به خصوص و در بسیاری از موارد دیگر، اگر نگوییم غیرممکن اما بسیار دشوار است که به حدسی حتی نزدیک از میزان تقسیم جنسیتی شورش‌ها و از این دست وقایع دست پیدا کرد و دریافت که دقیقاً چه تعداد زن در این وقایع شرکت کرده‌اند. ماهیت یک شورش (به این معنا که مردم درگیر کنشی بزهکارانه یا خشونت‌آمیز می‌شوند و به شکل هدفمند صورت و بدنشان را می‌پوشانند) شناسایی افراد را هم سخت و هم ناخوشایند می‌سازد. به‌علاوه ایدئولوژی جنسیتی و تصورات جنسیت‌زده، بر مشاهدات افراد سایه می‌اندازد و در نهایت به درک و تفسیر آنها از وقایع شکل می‌دهد. لیز کلی و آیشا گیل^{۴۰} شرح می‌دهند: «بعلاوه موضوع حضور زنان و دختران ابداء امری تازه و بی‌سابقه نبوده، با این حال همواره ارزش خبری داشته‌است چرا که جرم و جنایت و استفاده از خشونت همچنان خارج از بیشتر ساخت‌های هنجاری زنانگی قرار دارد.»^{۴۱} (۲۰۱۲:۲۱۹) اگرچه برجسته ساختن این موضوع مهم است اما هیچ‌کدام از میزان درگیری زنان با شورش‌ها به طور کلی یا در رابطه با نمونه‌هایی به‌خصوص نمی‌کاهد. بر همین اساس حالا می‌توانیم به بحث بیشتر در رابطه با غارت در زمان شورش‌های لندن و نمونه‌هایی دیگر بازگردیم.

^{۳۶} شورش‌های واتس ۱۹۶۵، مجموعه‌ای از درگیری‌های خشونت‌آمیز بین پلیس لس‌آنجلس و ساکنان واتس و دیگر محله‌های عمدتاً آمریکایی آفریقایی تبار در جنوب مرکزی لس‌آنجلس بود که از ۱۱ اوت ۱۹۶۵ آغاز شد و به مدت شش روز ادامه داشت.

^{۳۷} Duke and Escobar

^{۳۸} Fiske and Hancock

^{۳۹} Mark Duggan

^{۴۰} Liz Kelly and Aisha Gill

^{۴۱} مجله زنان Marie Clare نمونه‌ای درخشان از این سازوکار را ارائه می‌کند. نویسنده در مقاله ای با عنوان «دختران وحشی شده: غارتگران زن لندن»، صحنه‌های مفصلی از غارت زنان را توصیف می‌کند و این فعالیت‌ها را تکان‌دهنده‌ترین و مسلماً نگران‌کننده‌ترین عنصر شورش‌ها می‌داند. نویسنده برای پایان دادن به این مقاله می‌گوید: «شاید به همان اندازه که افزایش جرایم با اسلحه نگران‌کننده است، افزایش جنایات دختران نیز باشد.» (نایت ۲۰۱۱)

در سرتاسر شورش‌های لندن، غارت امری شایع بود و زنان هم در این جشن و سرور شرکت داشتند. مقاله‌ای در گاردین شرح می‌دهد که زنان در حال "برداشتن پوشک، غذای بچه و بسته‌های برنج" دیده شده‌اند. (تاپینگ، دیسکی و کلیفتون^{۴۲} ۲۰۱۱) در همان مقاله شرکت‌کننده‌ای که با او مصاحبه شده از دیدن زنی در حال برداشتن بسته‌ی بزرگی از ماده‌ی لباس‌شویی می‌گوید. او چنین ماجرا را به یاد می‌آورد: "بهش گفتم 'چرا پودر صابون برداشتی؟' و اون بهم گفت، 'چون لازم دارم'، من فقط بهش نگاه کردم و به خودم زحمت خندیدن یا گفتن اینکه 'یکم عزت نفس داشته باش' رو ندادم چون که می‌فهمیدمش". (نقل قول شده از تاپینگ، دیسکی و کلیفتون ۲۰۱۱) در شورش ضدپلیس دیگری این‌بار در فرگوسن، میسوری و در واکنش به قتل مایکل براون^{۴۳} غارت بازهم شایع بود. یکی از شرکت‌کنندگان روایت می‌کند: "مردم با پوشک، غذا و چیزای دیگه‌ای که واسه گذران زندگی لازمه بیرون می‌اومدن البته صرف‌نظر از الکل، سیگار و بقیه چیزایی که واسه جشن گرفتن لازم داشتن. دختر ده ساله‌ای که در حال حمل ساک بزرگی از خوراکی بود، همین طور که رد می‌شد گفت که 'ما' قراره فردا تو مدرسه حسابی خوراکی بخوریم." (ناشناس ۲۰۱۴) در شورش‌های اخیر ایالات متحده که در واکنش به قتل جورج فلویید توسط پلیس در ۲۰۲۰ ایجاد شد، شاهد صحنه‌های مشابهی هستیم. غارت گسترده بود و نقش قابل توجهی در شورش‌های گسترده داشت. شرکت‌کننده‌ای در جریان قیام مینیاپولیس چنین می‌گوید:

اول اینکه کالاها آزاد شدن تا به جمعیت غذا برسه [...] دوم اینکه غارت با ایجاد همبستگی و شوق حاصل از کنش مشارکتی عصیان جمعی باعث بالا بردن روحیه‌ی مردم شد. کنش هدیه‌دادن و روحیه‌ی سخاوتمندی برای همه ممکن شد که این خودش تبدیل به نقطه‌ی مقابل مثبتی برای مبارزه تن به تن با پلیس شد. (ناشناس ۲۰۲۰)

با توضیح بیشتر، آنها کل این موضوع را به عنوان بخشی از "ظهور زندگی اجتماعی مشارکتی در شورش‌ها" (۲۰۲۰) قرار می‌دهند. در یک نمونه، آنها چنین مواجهه‌ای را روایت می‌کنند: "زنی رو دیدیم که چرخ خریدی پر از پمپرز و استیک رو به سوی خونه‌اش می‌کشه. گروهی که در گوشه‌ی خیابان مشغول خوردن و نوشیدن بودند با رد شدن زن شروع کردن به دست زدن براش". (۲۰۲۰)

بالتر و فراتر از صرف تصاحب کالا، لحظه‌ی شورش می‌تواند به گشودن فرصت‌هایی برای سازماندهی مجدد بازتولید اجتماعی منجر شود. به خصوص زمانی که شورش‌ها به دوره‌هایی طولانی (یا حداقل تا حدی طولانی) از ناآرامی و انقلاب گسترش پیدا می‌کنند، امکان ظهور فرصت‌هایی برای ایجاد چشم‌اندازهایی جدید با رویکرد مشارکتی بیشتر از بازتولید اجتماعی خلق می‌شود. اوبرین^{۴۴} شرح می‌دهد:

⁴² Topping, Diski and Clifton

⁴³ Michael Brown

⁴⁴ O'Brien

زمانی که تعداد زیادی از افراد مستقیماً با حکومت و سرمایه رو در رو می‌شوند، آنهم به شکلی که در موقعیت مکانی مشترکی برای چندروزی کنارهم قرار می‌گیرند، اغلب روش‌هایی برای تهیه و تسهیل غذا، آشپزی و خوردن غذا به صورت مشترک، تدارکات خواب در مجاورت با یکدیگر، مشارکت در مسئولیت‌های نگهداری از بچه‌ها و کمک به همراهان کم‌توان به کار گرفته می‌شود. همه مشغول‌اند تا کار مراقبتی تقسیم شود تا مشارکت متنوع امکان پذیر شود و از یکدیگر در برابر آسیب محافظت کنند. (۲۰۱۹)

نمونه‌هایی که در آن شورش منجر به اشغالی پایا از فضای عمومی مشخص می‌گردد، برای مثال جنبش اشغال^{۴۵}، می‌توانند منجر به خلق راه‌هایی نوین برای تامین نیازهای افراد درگیر در آن شوند. با برگشت دوباره به نمونه‌ی واکاها، زنان درگیر در آن توانستند استراتژی‌هایی برای جمعی‌ساختن کاربازتولیدی‌شان ایجاد و مهم‌تر از آن توانستند آنها را به کار ببندند. پلر شرح می‌دهد: "منابعی چون غذا، آب، گازوئیل و لوازم پزشکی به روشی جدید فراهم و توزیع شد و به همان صورت اختصاص کاربازتولیدی از حوزه‌ی تخصصی‌شده‌ی خانه پس گرفته شده و تبدیل به راه تعیین‌کننده و کلیدی برای بازنگری زندگی اجتماعی و همبستگی‌های جمعی شد." (۲۰۱۶:۷۲) در جنبش ایندیگناتوس^{۴۶} ۲۰۱۱ در اسپانیا، شرکت‌کنندگان تحت شعار "میدان خانه‌ی ماست!" کنار یکدیگر جمع شدند و در درون منطقه‌ی اشغالی‌شان همه‌چیز فراهم کردند از آشپزخانه‌های گروهی گرفته تا مهدکودک، از باغ و باغچه تا کتابخانه و تئاتر و فضاهایی دیگر (ر.ک سوپلا-بوتراگو ۲۰۱۴:۹۷). شرکت‌کننده‌ای در شورش‌های مینی‌پولیس توصیف می‌کند که مردم "چادرهای حمایتی اشتراکی در سرتاسر خیابان‌ها به منظور توزیع آب و غذای غارت‌شده برپا می‌کردند" و اینکه مردم ساختمان هتلی را تصاحب کردند تا برای افراد نیازمند خانه و سرپناهی تهیه کنند (ناشناس ۲۰۲۰ ب). نمونه‌هایی از چنین رخدادهایی فراوان است و اغلب نقش مهمی در حمایت و مراقبت از مردم درگیر در لحظات مبارزه دارد.

منابع:

Anonymous (2014). "Car, Gun, Autonomy: On the Finer Points of the Recent Revolt in Ferguson." *Avalanche: Anarchist Correspondence* 3:18-24.

Anonymous (2017). *Breaking Free of Gender Through Friendship and Attack*. Hamilton: The Tower Inprint.

⁴⁵ Occupy movement

⁴⁶ Indignados movement

Anonymous (2020b). "Dispatch from the Rebellion in Minneapolis." Ill Will Editions. <<https://illwilleditions.com/dispatch-from-the-rebellion-in-minneapolis/>>. [accessed 12 June 2020]

Anonymous (2020a). "The Siege of the Third Precinct in Minneapolis: An Account and Analysis." Crimethinc. <<https://crimethinc.com/2020/06/10/the-siege-of-the-third-precinct-in-minneapolis-an-account-and-analysis>>. [accessed 20 June 2020]

Anonymous (2019). "We Burned What We Could: Anti-Police Revolt in Mexico City." It's Going Down. . [accessed 20 August 2019]

Bohstedt, John (1988). "Gender, Household and Community Politics: Women in English Riots 1790-1810." Past & Present 120: 88-122.

Clover, Joshua (2019). "Total Riot: The Other Side". The Sociological Review. <<https://www.thesociologicalreview.com/total-riot-the-other-side/>>. [accessed 09 Nov. 2019]

Debord, Guy (1965). "The Decline and Fall of the Spectacle-Commodity Economy." Situationist International Online. <<https://www.cddc.vt.edu/sionline/si/de-cline.html>>. [accessed 08 Nov. 2019]

Duke, Lynne and Gabriel Escobar (1992). "A Looting Binge Born of Necessity, Opportunity." The Washington Post. <<https://washingtonpost.com/archive/politics/1992/05/10/a-looting-binge-born-of-necessity-opportunity/9d781dfc-3886-4bdf-a315-19586869cfce>>. [accessed 2 Nov. 2019]

Endnotes Collective (2013). "A Rising Tide Lifts All Boats." Endnotes 3: 92-172.

Endnotes Collective (2013). "The Logic of Gender on the Separation of Spheres and The Process of Abjection." Endnotes 3: 56-91.

Engel, Barbara (1997). "Not by Bread Alone: Subsistence Riots in Russia during World War 1." The Journal of Modern History 69: 696-721.

El Said, Maha, Lena Meari and Nicola Pratt, Nicola (2015). Rethinking Gender in Revolutions and Resistance: Lessons from the Arab World. London: Zed Books.

Federici, Silvia (2004). Caliban and the Witch: Women, the Body, and Primitive Accumulation. New York: Autonomedia

Federici, Silvia and Marina Sitrin (2018). "Social Reproduction: Between the Wage and the Commons." *Roar Magazine* 2: 34- 43.

Fiske, John and Black Hawk Hancock (2016). *Media Matters: Race & Gender in U.S. Politics*. New York: Routledge

Godineau, Dominique (1998). *The women of Paris and their French Revolution*. Berkeley: University of California Press.

Heckert, Jamie (2012). *Lexicon Series: Gender*. Brooklyn: Institute for Anarchist Studies.

Kelly, Liz and Aisha K. Gill (2012). "Rotis not Riots: A Feminist Dialogue on the Riots and their Aftermath." *Safer Communities* 11.1: 62-72

Leier, Mark (2009). *Bakunin: The Creative Passion*. New York: SevenStories Press.

Malcolm, Thomas and Jennifer Grimmett (1982). *Women in Protest, 1800-1850*. New York: Routledge.

Neeson, J.M. (1984). "The Opponents of Enclosure in Eighteenth-Century Northamptonshire." *Past & Present* 105: 114-139.

Osterweil, Vicky (2020). *In Defence of Looting: A Riotous History of Uncivil Action*. New York: Bold Type Books.

Peller, Barucha (2012). "Women in Uprising: The Oaxaca Commune, The State, and Reproductive Labour." *LIES: A Journal of Materialist Feminism* 1: 125-144.

Pinko Collective (2019). "Manifesto." *Pinko*. <<https://pinko.online/web/zine>>. [accessed

30 Oct. 2019]

Rakia, Raven (2013). "Black Riot." *The New Inquiry*. <[https://thenewinquiry.com/black-](https://thenewinquiry.com/black-riot/)

riot/>. [accessed 16 June. 2020]

Riff Raff (2011). "The Suspended Step of Communization." *Sic Journal* 1: 147-169.

Rowbotham, Shelia (2014). *Women, Resistance, and Revolution: A History of Women and Revolution in the Modern World*. London: Verso.

Samudzi, Zoe and William C. Anderson (2018). *As Black as Resistance: Finding the Conditions for Liberation*. Chico: AK Press

Sandine, Al (2009). *The Taming of the American Crowd: From Food Stamp Riots to Shopping Sprees*. New York: Monthly Review

Sevilla-Buitrago, Alvaro (2015). "Outraged Spatialities: The Production of Public Space in the #spanishrevolution." *ACME: An International E-Journal for Critical Geographies* 14.1: 90-103.

Shukaitis, Stephen (2009). *Imaginal Machines: Autonomy & Self-Organization in the Revolutions of Everyday Life*. Brooklyn: Autonomedia.

Taylor, Dylan (2019). "Riots, Strikes, and Radical Politics in Aotearoa New Zealand." *Counterfutures Journal* 7:75-115.

The Invisible Committee (2017). *Now*. Cambridge: MIT Press.

Thompson, E.P (1971). "The Moral Economy of the English Crowd in the Eighteenth Century." *Past & Present* 50: 76-136.

Topping, Alexandra, Diski Rebek and Helen Clifton (2011). "The Women Who Rioted." *The Guardian*.
<<https://www.theguardian.com/uk/2011/dec/09/women-who-rioted-english-riots>>. [accessed 10 Oct. 2019]

Truong, Fabien (2017). "Total Rioting: From Metaphysics to Politics." *The Sociological Review* 65.4: 563-577.

Wang, Jacky (2018). "Trauma Monsters and Feminist Forms of Life." *Critique & Practice*. <<http://blogs.law.columbia.edu/praxis1313/jackie-wang-trauma-monsters-and-feminist-forms-of-life/>>. [accessed 05 June 2020]

Williams, Teresa and David Williams (2002). "The Women Rising: Cotton, Class, and Confederate Georgia's Rioting Women." *The Georgia Historical Quarterly* 86.1: 49-83.